

## ۱) واژه‌نامه و واژگان

ظاهر نخستین بار مسوؤلان واژه‌گزینی مرکز نشر دانشگاهی با دو اصطلاح «واژگان» و «واژه‌نامه» میان دو شیوه متفاوت گردآوری اصطلاحات علمی فرنگی و معادلهای فارسی آنها تمایز نهادند. این دو اصطلاح که هنوز چنانکه باید در قاموس تخصصی زبان‌شناسان و علاقه‌مندان به واژگان نگاری جای نگرفته، از جمله معدود اصطلاحات علمی و تخصصی در زبان فارسی است که نه از روی معادلهای فرنگی، بلکه صرفاً بر اساس پدید آمدن مفهومشان در جامعه و در نتیجه نیاز به نامیده شدنشان ساخته شده است. نگارنده تا کنون معادل فرنگی دقیقی برای این دو اصطلاح، با تعریفی که خواهد آمد، نیافته است.

واژه‌نامه مجموعه‌ای است از اصطلاحات<sup>۱</sup> فرنگی با معادلهای برگزیده هر يك از آنها. در واژه‌نامه اصولاً برای هر اصطلاح فقط يك معادل داده می‌شود و ذکر محل اخذ معادلهای موردی ندارد. به عنوان نمونه بخشی از واژه‌نامه بهداشت<sup>۲</sup> را می‌آوریم:

absorption (physio)	جذب
acaricide (mater)	کنه‌کش
acclimatization (evol)	اقلیم‌پذیری، سازگاری بامحیط
acute (med)	حاد

کلمات مختصر شده داخل پرانتز در مقابل هر اصطلاح نمایانگر شاخه علمی آنهاست (فیزیولوژی، مواد، تکامل، پزشکی). «واژگان» مجموعه‌ای است از اصطلاحات خارجی با کلیه معادلهایی که در طی دوره‌ای معین برای هر يك از آنها در متون گوناگون فارسی ارائه شده است. بنابراین در واژگان برای هر اصطلاح غالباً بیش از يك معادل داده می‌شود و ذکر محل اخذ هر يك از معادلهای نیز ضرورت دارد. به عنوان مثال بخشی از واژگان فلسفه و علوم اجتماعی<sup>۳</sup> داریوش آشوری را که نخستین واژگان زبان فارسی نیز هست می‌آوریم:

ability	توانش	صناعی/روانشناسی
ablaut	دگرگونی واکه‌ها	بدره‌ای/زبان‌شناسی
abnormal	ناپهنجار	آریانپور/جامعه‌شناسی

حاشیه:

۱) اصطلاح (term) در این مقاله به کلماتی اطلاق می‌شود که به عنوان يك کل واحد، به مفهومی تخصصی در یکی از رشته‌های علمی اشاره دارد.

۲) گروه بهداشت مرکز نشر دانشگاهی. واژه‌نامه بهداشت (انگلیسی-فارسی: فارسی-انگلیسی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.

۳) آشوری، داریوش [ویراستار]. واژگان فلسفه و علوم اجتماعی؛ برابر نهادهای مترجمان و مؤلفان ایرانی، تهران، آگاه، ۲۵۳۵ [۱۳۵۵]، ج ۲.

## مروری بر

# واژگان نویسی در ایران

امید طیب‌زاده

مقدمه

امروزه خلیه‌های تهیه واژه‌نامه یا واژگان تخصصی را از ساده‌ترین و سریع‌ترین راههای «کتابدار» شدن می‌دانند، زیرا بر اساس برخی از آثاری که تا کنون در این زمینه به زبان فارسی منتشر شده است، گمان می‌کنند برای تهیه واژگان کافی است که تک تک اصطلاحات فهرست شده در آخر کتابهای تخصصی، و نیز اقلام واژه‌نامه‌ها و واژگانهای مستقل قدیمی تر را فیش کنند، فیشها را به ترتیب حروف الفبای اصطلاحات انگلیسی و سپس معادلهای فارسی آنها تنظیم نمایند و بالأخره حاصل کار را به عنوان واژه‌نامه انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی به دست حروفچین بسپارند. اما واقعیت چیز دیگری است؛ دشواری تهیه واژگان به شکل مطلوب و کامل آن، به هیچ وجه دست کمی از ترجمه یا حتی در مواردی تألیف کتابهای فنی و تخصصی ندارد. برای تهیه چنین واژگانی، واژگان نویس علاوه بر داشتن تخصص در رشته مورد نظر خود باید از حوصله و خلاقیت و روحیه پژوهشگری برخوردار باشد و در عین حال با مسائل زبان‌شناسی (یا اگر دقیقتر بگوییم واژگان نگاری / lexicography) و نیز مآخذ کتابشناسی مربوط به رشته خودش آشنایی داشته باشد.

واژگان نویسی در ایران تاریخچه کوتاه اما پُر افت و خیزی دارد که سیر تحول آن را می‌توان با دو معیار تجربه و علم سنجید. به اعتقاد نگارنده واژگان نویسی در ایران از نظر تجربی رشد بسیار کرده است، اما از نظر علمی، متأسفانه، رشد چندانی نداشته است. این مقاله به بررسی و اثبات همین موضوع اختصاص دارد. در این مقاله ابتدا درباره تفاوت‌های «واژه‌نامه» و «واژگان» سخن خواهیم گفت و سپس مراحل واژگان نویسی را در ایران شرح خواهیم داد. مطابقت برخی از نقدهایی که در سالهای گذشته بر واژگانهای گوناگون نوشته شده با واژگانهای جدیدتر، و نیز بحث مختصری درباره علت اهمیت نکات فنی واژگان نگاری در واژگانها مطالب بخش دوم گفتار ما خواهد بود.

آریانپور/جامعه‌شناسی مطلق‌گرایی، مطلق‌آیینی absolutism  
شیروانلو/ضرورت خودکامگی  
اختصارات سمت راست نمایانگر نام نویسنده یا مترجم و عنوان  
کتابی است که معادل هر اصطلاح از آن اخذ شده است. چنانکه  
می‌بینیم برای اصطلاح absolutism سه معادل از دو مأخذ گوناگون  
ذکر شده است.

## ۲) واژگان‌نویسی در ایران

واژگان فلسفه و علوم اجتماعی و بعد از آن واژه‌نامه زبانشناسی<sup>۴</sup>  
کوروش صفوی نخستین واژگان‌هایی است که در ایران انتشار یافته  
است. پس از این دو واژگان، به عللی که برخواهیم شمرد،  
تغییرات بسیاری در واژگان‌های بعدی پدید آمد؛ این تغییرات به  
حدی است که بر اساس آنها می‌توان واژگان‌نویسی در ایران را  
به دو مرحله کلی تقسیم کرد:

● مرحله نخست. هدف از ذکر نام پیشنهاددهنده هر اصطلاح در  
نخستین واژگان‌های فارسی چندان روشن نیست و دلایلی هم که  
برای این عمل ذکر شده نه تنها توجیه منطقی و علمی ندارد، بلکه  
گاه متناقض است. مثلاً داریوش آشوری در مقدمه چاپ دوم  
کتاب خود می‌گوید «... باری، اگر ما در آوردن نام اشخاص در  
جنب یکایک واژه‌ها اصرار کردیم بیشتر از آن جهت بوده است که  
حق کسانی را که در این راه کوشش بسزا کرده‌اند، حق کسانی  
چون امیرحسین آریانپور و حمید عنایت و غلامحسین مصاحب  
پایمال نشده باشد... باری چه بهتر که کسی به چشم ببیند که  
واژه‌های ساخته یا برابر قرار داده، هر چه بیشتر به کار می‌رود و  
جزء زندگی زبان یا زبان زنده شده است»<sup>۵</sup>. البته روشن است که  
اولاً آوردن نام نخستین پیشنهاددهنده هر معادل به صرف آنکه  
احقاق حقی شده باشد هیچ نفعی به حال زبان فارسی یا مطالعات  
زبان‌شناختی یا هیچ هدف علمی دیگری ندارد، و ثانیاً در بسیاری از  
موارد به سادگی نمی‌توان نخستین پیشنهاددهنده را مشخص  
ساخت؛ کما اینکه آشوری خود در ادامه سخنانش می‌گوید «...  
مترجم ارجمند آقای احمد آرام، خاطر نشان کردند که بهتر بود  
منابع برحسب تاریخ انتشار تدوین می‌شد تا به دقت معلوم می‌شد  
که هر لغت یا اصطلاح متعلق به چه کسی است (البته اگر چنین  
کاری امکان می‌داشت، بهترین راه برای تعیین واضع هر لغت  
بود، اما مشکل آنست که بسیاری از مراجع یا تاریخ ندارند یا  
تاریخ درست و دقیق ندارند)»<sup>۶</sup>. وی سپس درباره بی‌وجه بودن  
این همه دقت و وسواس در پیدا کردن نخستین پیشنهاددهندگان  
می‌نویسد «مسئله‌ی مهم این است که لغت مال زبان است و اگر  
کسی کمکی به گسترش زبان کرده دستش درد نکند، ذهنش پر بار

و زیانش گویا و قلمش روان باد، اما سند مالکیت برای واژه‌ها نسازیم  
[تأکید از ما]. مگر این چندین هزار واژه‌ای که از گذشته به ما  
رسیده پشت هر یکی نوشته است که وضع‌کننده آن کی است؟  
زبان میراث قومی است، آنچه مهم است اینست که شخص با این  
زبان چه هنری کرده است، و الا وضع چند لغت که «اینهمه  
نیست»<sup>۷</sup>. می‌بینیم که علت ذکر نام پیشنهاددهنده هر معادل  
چندان مشخص نیست، و این ناشی از مخدوش بودن مفهوم و  
اهداف «واژگان» در ذهن نخستین واژگان‌نویسان زبان فارسی  
است. کورش صفوی نیز در واژه‌نامه زبانشناسی بی‌اشاره‌ای به  
علت مشخص ساختن نام پیشنهاددهندگان، عیناً شیوه کار  
آشوری را در پیش گرفته و ظاهراً دلایل وی نیز در ذکر نامها و  
مآخذ چیزی بیشتر یا کمتر از دلایل آشوری نبوده است. پس  
نخستین مشخصه واژگان‌های مرحله اول این است که دقیقاً معلوم  
نیست چرا محل اخذ و نام پیشنهاددهنده هر معادل را روشن  
کرده‌اند؛ یعنی معلوم نیست که چرا این تألیفات واژگان‌هستند نه واژه‌نامه.

دومین ویژگی واژگان‌های مرحله اول به ترتیب تنظیم معادل‌هایی  
مربوط می‌شود که پیشنهاددهندگان گوناگون برای يك اصطلاح  
به دست داده‌اند. نه آشوری و نه صفوی مشخص نکرده‌اند در  
مواردی که برای يك اصطلاح چند معادل متفاوت (از چند  
پیشنهاددهنده) وجود داشته، معیار تنظیم معادل‌ها چه بوده است.  
درواقع هیچ معیاری در کار نیست؛ مثلاً در مورد اصطلاح  
extension در واژگان فلسفه و علوم اجتماعی چنین وضعی است:  
آریانپور/فلسفه حیز، امتداد، مصداق extension

برهان منش/اقتصادآموزش تمديد، امتداد، افزایش

عنایت/هگل گستردگی، انبساط، مصداق

بدره‌ای/جامعه‌شناسی روستایی گسترش

دریابندری/فلسفه غرب بسط

چنانکه می‌بینیم ترتیب تنظیم معادل‌ها نه برحسب حروف اول  
خود آنهاست و نه برحسب حروف اول نام نویسندگان یا  
عنوان مآخذ. با نگاهی به فهرست مآخذ کتاب دیدیم که این  
ترتیب بر اساس تاریخ انتشار کتابها نیز نبوده است. واژه‌نامه  
زبانشناسی نیز کم و بیش همین گونه است:

ترابی/فرهنگ بنداصلی Major clause

باطنی/توصیف بندمهین

مخدوش بودن شیوه تنظیم معادل‌ها نیز ناشی از مخدوش بودن  
مفهوم واژگان در ذهن واژگان‌نویسهای این دوره است. در  
واژگان‌های مرحله بعد که علت ذکر نام مآخذ و پیشنهاددهندگان  
روشن می‌شود، تنظیم معادل‌های پیشنهاددهندگان گوناگون نیز  
توجهی منطقی و علمی می‌یابد.

از دیگر ویژگیهای واژگان‌های این مرحله این است که

معادلهای فهرست شده در آنها غالباً انتخابی است، به این معنی که برای هر اصطلاح فرنگی غالباً فقط يك معادل ارائه شده نه بیشتر، حال آنکه برای بسیاری از اصطلاحات، حتی از میان مآخذ خود همین واژگانها، معادلهای دیگر نیز وجود داشته است. مثلاً واژه‌نامه زبانشناسی صفوی برای اصطلاح phoneme فقط يك معادل آورده:

مقدم/مقالات      واج      phoneme

و حال آنکه برای این اصطلاح معادل «واک» و مجدداً «واج» (از کتاب تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری و آواشناسی دکتر حق شناس) نیز ممکن بود ذکر گردد. واژگان فلسفه و علوم اجتماعی آشوری نیز چنین است. در این مرحله واژگان نویسان از دو معادل متفاوت (مثلاً «واک» و «واج») آن را که به نظرشان مناسبتر آمده برمی‌گزیدند (در اینجا «واج»)، و در مواردی هم که دو مآخذ معادل مشترکی برای اصطلاح واحدی داشته‌اند (مثل «واج» در آواشناسی دکتر حق شناس و مقالات دکتر مقدم)، فقط به ذکر یکی (در اینجا کتاب دکتر مقدم) بسنده می‌کردند و تکرار دومی (در اینجا کتاب دکتر حق شناس) را بی‌مورد می‌دیدند. خواهیم دید که با روشن شدن مفهوم «واژگان» در دوره بعد این شیوه انتخاب معادلهای نیز دگرگون می‌شود.

ویژگی سوم برای آثار مرحله اول این است که این واژگانها بیشتر حاصل همت و تلاشهای فردی بوده است و نه برنامه‌ریزیهای زبانی منسجم و منظم. تردیدی نیست که تهیه واژگان از جمله نخستین وظایف فرهنگستانهای زبان در جوامعی چون ایران است، اما از آنجا که این فرهنگستانها در ایران هیچگاه به طور مستمر و سودمند فعالیت نداشته‌اند، کارهایی از قبیل تهیه واژگان و واژه‌نامه و حتی گاه فرهنگهای بسامدی و غیره را افراد با ذوق و با فکری که پی به اهمیت مسئله برده‌اند خود دنبال می‌کنند. واژگان فلسفه و علوم اجتماعی آشوری و واژه‌نامه زبانشناسی صفوی حاصل چنین اقداماتی است. داریوش آشوری در مقدمه کتابش می‌نویسد: «واژگان فلسفه و علوم اجتماعی در واقع محصول فرعی يك کار اصلی است که اصل کار هرگز به انجام نرسید. بدین معنا که نگارنده در یکسال و اندی دوره همکاری خود با «پژوهشگاه علوم انسانی» طرحی برای يك دانشنامه علوم اجتماعی فراهم کرده بود که مقصود از آن شرح به نسبت مفصلی از چند صد مفهوم اساسی در زمینه‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی بود. اما در میان دشواریهای فراوانی که در سر راه این کار سبزشد و طرح را در مراحل آغازین از پیشرفت بازداشت، یکی هم مشکل زبان بود... هنگامی که من و همکارانم ناگزیر در «دانشنامه» را بستیم و از آن چشم پوشیدیم، این فکر به ذهنمان گذشت که تدوین و نشر واژه‌نامه‌ای از واژه‌های

گرد آمده خالی از فایده نیست... به هر حال غرض این بود که اگر نتوانستیم دانشنامه‌ای فراهم کنیم، دست کم واژه‌نامه‌ای فراهم شود [تأکید از ما]...<sup>۴</sup>. چنانکه می‌بینیم نه برنامه‌ریزی زبانی از پیش تعیین شده‌ای در کار بود و نه حمایت مستقیم دولت یا نهادهای فرهنگی؛ حتی ناشر واژگان هم ناشری خصوصی (آگاه) است. واژه‌نامه زبان‌شناسی هم بی‌هیچ کمک دولتی و توسط ناشری خصوصی منتشر شد. توضیح آنکه «پژوهشگاه علوم انسانی»، از سازمانهای دولتی پیش از انقلاب، در سال ۱۳۵۵ صورت تجدیدنظر شده‌ای از واژگان فلسفه و علوم اجتماعی را با عنوان فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی<sup>۵</sup> منتشر ساخت. گرچه این کتاب با حمایت سازمانی دولتی تهیه و منتشر شد اما اولاً مانند دو واژگان دیگر این مرحله مبتنی بر هیچ برنامه‌ریزی زبانی‌ای نبود و ثانیاً تمام ویژگیهای دو واژگان دیگر مرحله اول را نیز داشت. فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی بعدها مبنای واژگان مفصل‌تر دیگری با عنوان فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی<sup>۶</sup> قرار گرفت که در بخش بعد (واژگانهای مرحله دوم) درباره آن سخن خواهیم گفت. در دوره‌ای که واژگانهای مرحله اول انتشار یافت (یعنی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۱) چند نقد بر واژگان فلسفه و علوم اجتماعی آشوری نگاشته شد که نه تأثیری در کیفیت ویرایشهای بعدی واژگان فوق داشت و نه مورد استفاده کوروش صفوی در تدوین واژه‌نامه زبانشناسی قرار گرفت. جالب است که منتقدهای این دوره نیز، مانند واژگان نویسهای آن، تصور روشن و دقیقی از اهداف و وظایف واژگان در نظر نداشتند. مثلاً در یکی از این نقدها<sup>۷</sup> بر واژگان آشوری، منتقد پیشنهاد کرده است که اولاً واژگان موضوعی گردد و ثانیاً مناسبترین معادل فارسی، که در کنار معادلهای دیگر آمده، با علامتی مشخص شود. در بخش بعدی همین مقاله خواهیم دید که واژگانها مطلقاً چنین وظایف یا نقشهایی ندارند. توضیح آنکه نقد مذکور، سوای دو نکته‌ای که گفته شد، هنوز هم از جمله نقدهایی است که هر واژگان‌نویسی

حاشیه:

۴) صفوی، کوروش. واژه‌نامه زبانشناسی (فارسی-انگلیسی؛ انگلیسی-فارسی)، تهران، [بخش از] انتشارات مجرد، ۱۳۶۱.

۵) آشوری، داریوش. همان، ص ۲. ۶) همانجا. ۷) همانجا.

۸) همان، ص ۱.

۹) فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی (انگلیسی-فارسی). تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، بی‌تا.

۱۰) بریجانیان، ماری. فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی (انگلیسی-فارسی)، ویراسته بهاء‌الدین خرماشاهی، ج ۲، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۱.

۱۱) عظیمی، نازی. نامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۹، ش ۳ (پاییز ۲۵۳۵) ۱۳۵۵، ص ۴۲۱-۴۱۱.

پیش از آغاز کار خود باید بخواند؛ در واقع منتقدهای دوره بعد همین نقدر را انگاره کار خود قرار دادند و مطالب آن را بسط دادند و نکات تازه‌ای بدان افزودند و حتی، در مواردی، عیناً مثالهایی از آن نقل کردند.

● مرحله دوم. با انتشار واژگان فیزیک<sup>۱۲</sup> و واژگان برق<sup>۱۳</sup>، به همت مرکز نشر دانشگاهی، مرحله جدیدی در واژگان نویسی زبان فارسی آغاز شد. واژگانهای این مرحله در چهار مشخصه‌ای که پیشتر بر شمرديم با واژگانهای مرحله نخست تفاوت‌های کیفی دارد. در این مرحله تفاوت‌های واژگان و واژه‌نامه کاملاً روشن شده است و واژگان نویسه‌ها از اهداف واژگان آگاهی کامل دارند. در مقدمه واژگان فیزیک می‌خوانیم «با توجه به حجم کتابهایی که در مدت تعطیلی موقت دانشگاهها و در دوران انقلاب فرهنگی قرار است ترجمه شود... تهیه واژه‌نامه‌ای که مورد پذیرش اکثر دست‌اندرکاران ترجمه و تألیف باشد، در دستور کار قرار گرفت. اساسیترین راهنما در تهیه چنین واژه‌نامه‌ای، دفتری است که شامل کلیه واژه‌های فارسی و بسامد هر يك از آنها در متون علمی موجود باشد، به این ترتیب با تصویب کمیته تخصصی فیزیک مرکز نشر دانشگاهی، کار تهیه واژگان فیزیک از اواخر آبان ماه ۱۳۵۹ شمسی آغاز شد»<sup>۱۴</sup>. می‌بینیم که واژگان مفهوم تازه‌ای یافته است. دیگر صحبت از پیمال شدن یا نشدن حق نخستین پیشنهاددهندگان معادله‌ها یا مسائلی از این قبیل نیست، بلکه صحبت از تهیه مبنایی اصولی و علمی است برای تهیه يك واژه‌نامه معتبر و دقیق؛ در واقع واژگان در این میانه چیزی نیست مگر يك مرحله گذر یا سکوی پرشی برای «واژه‌نامه نویسی»، زیرا اولاً معادله‌های گوناگون پیشنهاد شده برای هر اصطلاح در واژگان، دستِ واژه‌نامه‌نویس را در انتخاب بهترین معادله‌ها باز می‌گذارد، ثانیاً بسامد کاربرد هر معادل، که آن نیز در واژگانهای این دوره ذکر شده، معیار مناسبی را برای شناختن گرایشهای غالب در انتخاب و نیز ساختن معادله‌های اصطلاحات در اختیار واژه‌نامه‌نویس قرار می‌دهد. با روشن شدن مفهوم و هدف واژگان، ارائه معادله‌های پیشنهاددهندگان گوناگون برای يك اصطلاح واحد نیز معنای خاصی می‌یابد. در واژگانهای این مرحله، این معادله‌ها بر حسب بسامد کاربردشان در مآخذ مورد استفاده واژگان نویس، در مقابل هر اصطلاح نوشته می‌شوند. مثلاً در واژگان برق در مقابل اصطلاح active آمده است:

فعال	ACTIVE ۴۹-۴۸-۴۱-۳۴-۲۹-۲۵-۲۲-۱۲-۱۱-۰۵
آزیر	۳۱-۲۱
اکتیو	۱۷-۱۶
دایر	۱۱

کنشی ۱۱  
کاریک ۳۱  
کردار ۳۱

چنانکه می‌بینیم «فعال» که پرسامدترین معادل برای اصطلاح active است، در ۱۰ مآخذ دیده شده است و معادله‌های دیگر در دویا يك مآخذ. اعدادی که در مقابل هر معادل نوشته شده نشانه منبعی است که آن معادل از آن اخذ شده است؛ با مراجعه به فهرست منابع کتاب می‌توان منبع مورد نظر را به راحتی یافت. با استفاده از این طریق نه تنها می‌توان نام موفق‌ترین پیشنهاددهندگان، یعنی کسانی که معادله‌هاشان بیشتر از دیگران قبول عام یافته، را پیدا کرد، بلکه نام ناموفق‌ترین پیشنهاددهنده را نیز می‌توان به دست آورد. در واژگان برق کد یا شماره ۳۱ متعلق به واژه‌نامه فرهنگستان زبان ایران است؛ جالب اینجاست که معادله‌های پیشنهادی فرهنگستان تقریباً در تمام موارد فقط يك بسامد داشته (که آنهم مربوط به خود واژه‌نامه فرهنگستان بوده) و در نتیجه غالباً آخرین جایگاه را در فهرست معادله‌های گوناگون يك اصطلاح در اختیار داشته است!

از مهم‌ترین اهداف واژگانهای این دوره عرضه کلیه معادله‌های است که نویسندگان و مترجمان متفاوت برای يك اصطلاح واحد پیشنهاد کرده‌اند، بنابراین معادله‌های واژگان مطلقاً نباید انتخابی باشد. مثلاً در واژه‌نامه زبانشناسی و علوم وابسته<sup>۱۵</sup> برای اصطلاح phoneme آمده است:

واج ۱۷-۳۹، واك ۸ phoneme

اعداد ۱۷، ۳۹، و ۸ به شماره مآخذی در فهرست مآخذ کتاب اشاره دارد که هر معادل از آن اخذ شده است. در این واژگان تمام معادله‌ها، اعم از تکراری و احتمالاً غلط یا نارسا، ذکر شده است؛ و در واقع اگر غیر از این می‌بود در اعتبار آماری واژگان خلل به وجود می‌آمد.

واژگانهای مرحله دوم به تدریج از چارچوب فعالیت‌های صرفاً فردی خارج شد و تحت نوعی برنامه‌ریزی زبانی قرار گرفت؛ مرکز نشر دانشگاهی نخستین سازمان فرهنگی بود که به اهمیت موضوع پی برد و آن را پیگیری کرد. گروه تخصصی شیمی و مهندسی شیمی این مرکز در گزارش کار خود درباره تدوین واژگان، که در مجله نشر دانش منتشر شد، می‌نویسد «برای يك نواخت کردن اصطلاحات و واژه‌های علمی در کلیه متنهاي شیمی، همچنین یافتن معادل فارسی برای بعضی از لغات علمی که خیلی متداول است ولی هنوز معادلی برای آنها انتخاب نشده، بخش واژه‌یابی گروه تخصصی شیمی و مهندسی شیمی ایجاد شد و از تاریخ اول بهمن ۵۹ با تشکیل جلسات روزانه خود مشغول تدوین این واژگان گردید... چنین مجموعه‌ای دارای معادله‌های

فارسی گوناگون برای هر يك از لغات می باشد که لزوماً در کتابهای درسی شیمی، فرهنگها و دائرةالمعارفها به کار رفته است... در حقیقت در این مجموعه شناسنامه يك لغت با تمام معادلهایی که برای آن تا کنون به کار رفته است گردآوری شده است...»<sup>۱۶</sup>. گروه فیزیک نیز در گزارش کار خود می نویسد «آنچه همواره در مدنظر ما بود این بود که ما دارای يك زبان علمی منسجم نیستیم و زبان علمی رایج فارسی بدون تکیه بر یکی از زبانهای علمی رایج دنیا بی محتوی می شود... ما یکی از راههای گسستن از «غیر» و حرکت در راه استقلال و خودکفایی را در بومی کردن زبان علم و تفکر می دانیم... مسئله عمده ما چگونگی ویرایش و یکدست کردن زبان علمی و واژه های آنهاست... گروه واژه یاب و واژه گزین اخیراً کار خود را شروع کرده است... به این امید که واژگان برگزیده به مرور در ترجمه ها جا افتد و در شش یا هفت سال آینده اولین دوره کتب ترجمه شده فیزیک با رسم الخط و واژگان یکسان و زبان منسجم در اختیار دانشجویان قرار گیرد تا بدین ترتیب اولین گام در جهت ایجاد زبان علمی فیزیک در ایران برداشته شود»<sup>۱۷</sup>. گروه فیزیک در یکی دیگر از گزارشهای خود مفصلاً درباره چگونگی تهیه واژگان و شناسایی و جمع آوری منابع آن سخن می گوید و روش تهیه واژگان فیزیک را با استفاده از برنامه های کامپیوتری، همراه با ارائه نمونه ای از يك لیست کامپیوتری، شرح می دهد. در این گزارش به خصوصیات و فواید واژگان نیز اشاره شده است: «۱- در برابر هر واژه انگلیسی تمامی معادلهای فارسی آن که تا کنون به کار رفته ذکر می شود؛ ۲- ذکر منابع مشخص می کند که هر معادل در چه تعدادی از منابع به کار رفته است؛ ۳- با توجه به خصوصیات این منابع، می توان تشخیص داد که چه معادلی موثر تر و رایجتر است؛ ۴- با افزودن لیستی از واژه ها، به ترتیب الفبای فارسی، به واژگان می توان دریافت که يك واژه فارسی تا کنون به عنوان برابر چه واژه های انگلیسی به کار رفته است و بدین طریق کار گزینش يك معادل واحد برای هر اصطلاح ساده تر می شود؛ ۵- با استفاده از برنامه های کامپیوتری این طرح، و بدون آنکه نیاز به برنامه نویسی جدید باشد، می توان واژه نامه هایی در موضوعات دیگر فراهم آورد...»<sup>۱۸</sup>. می بینیم که واژگان نویسی زیر حمایت سازمانی فرهنگی قرار می گیرد و در چارچوب برنامه ریزی مشخصی به مسیری متفاوت با مسیر اولیه اش می افتد. به جرأت می توان گفت که اگر این حمایت فرهنگی و برنامه ریزی زبانی نبود، واژگان نویسی در چارچوب همان مفهوم مخدوش اولیه اش باقی می ماند و ای بسا تا کنون از میان رفته بود. ویرایش دوم واژگان فیزیک<sup>۱۹</sup> در بیش از ۱۰۰۰ صفحه و با ۱۲۸ مأخذ، و نیز واژگان شیمی و مهندسی شیمی<sup>۲۰</sup> با بیش از ۱۵۰۰۰ اصطلاح و ۴۰۰۰۰ معادل فارسی، حاصل

برنامه ریزیهای درازمدت این مرکز است.

بجز مرکز نشر دانشگاهی، ناشران دیگری نیز، البته در ابعادی محدودتر، به انتشار واژگان روی آوردند. مثلاً مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی با انتشار واژه نامه زبانشناسی و علوم وابسته<sup>۲۱</sup> و فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی<sup>۲۲</sup>، یا آستان قدس رضوی با انتشار فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی<sup>۲۳</sup> از جمله این ناشران هستند. آخرین واژگانی که تا هنگام نگارش این مقاله انتشار یافته، واژگان اقتصاد و زمینه های وابسته<sup>۲۴</sup> نام دارد و با بیش از ۳۰۰۰۰ اصطلاح انگلیسی و ۱۲۰۰۰۰ معادل فارسی، که از میان بیش از ۴۵۰ مأخذ گردآوری شده است، از جمله روشمندترین واژگانهای این مرحله است. جالب است که این واژگان ناشری خصوصی دارد.

یکدست بودن شیوه تدوین تمام این واژگانها، علی رغم ناظران و ناظران گوناگونی که دارند، نمایانگر وجود نوعی برنامه ریزی زبانی مشترک اما تلویحی در میان اهل فن است؛ و

حاشیه:

۱۲) امینی، سیدمحمد [زیر نظر]، واژگان فیزیک (انگلیسی- فارسی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.

۱۳) گروه واژه گزینی برق. واژگان برق (انگلیسی- فارسی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.

۱۴) امینی، سیدمحمد. همان، ص ۱۰.

۱۵) همایون، همدخت. واژه نامه زبانشناسی و علوم وابسته، ویراسته علی محمد حق شناس، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۱.

۱۶) «گزارش کار گروه های تخصصی- گروه تخصصی شیمی و مهندسی شیمی». نشر دانش، س ۱، ش ۴ (خرداد و تیر ۱۳۶۰).

۱۷) «گزارش کار گروه های تخصصی- گروه تخصصی فیزیک». نشر دانش، س ۱، ش ۵ و ۶ (آبان ماه ۱۳۶۰).

۱۸) «گزارش کارگر و ههای تخصصی- گروه تخصصی فیزیک». نشر دانش، س ۱، ش ۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۰)، ص ۶۷-۷۰.

۱۹) امینی، سیدمحمد. واژگان فیزیک (انگلیسی- فارسی؛ فارسی- انگلیسی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰. ویرایش دوم.

۲۰) پورجوادی، علی. واژگان شیمی و مهندسی شیمی (انگلیسی- فارسی؛ فارسی- انگلیسی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.

۲۱) همایون، همدخت. همان.

۲۲) بریجانیان، ماری. همان.

۲۳) اکبری، محمدتقی (و دیگران). فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی (فارسی- انگلیسی)، ویراسته بهاءالدین خرمشاهی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

کتاب حاضر اثر مفید و بسیار با ارزشی است که جای خالی آن در زبان فارسی سالها محسوس بود، با این همه بر نگارنده روشن نیست که چرا آن را به صورت واژگان تدوین کرده اند نه واژه نامه. مثلاً در این کتاب علت مشخص ساختن محل اخذ هر معادل معلوم نیست؛ دیگر اینکه معادلهای فهرست شده در آن انتخابی است، یعنی برای هر اصطلاح غالباً فقط يك معادل ذکر شده است و نه تمام معادلهای پیشنهاد شده موجود آن.

۲۴) فرهادی، کاظم. واژگان اقتصاد و زمینه های وابسته (انگلیسی- فارسی)، تهران، پیشبرد، ۱۳۷۱.

این نشانه‌ای است چنان دلکش و شادی بخش که هر دوستدارِ رشد و اعتلای زبان فارسی را به وجد می‌آورد.

اما ای کاش قضیه به همین جا خاتمه می‌یافت!

به اعتقاد نگارنده واژگان‌نویسی در ایران از رهگذر تجربه رشد بسیار کرده است، اما از رهگذر علم نه! با آغاز مرحله دوم واژگان‌نویسی در ایران و اهمیت پیدا کردن آن، چند نقد مستدل و پرمحتوا درباره واژگانهای منتشر شده نگاشته شد که شاید توجه واژگان‌نویسها به آنها، و رعایت دستورهای آنها، می‌توانست مرحله سوم را در امر واژگان‌نویسی زبان فارسی پدید آورد. این بی‌توجهی که متأسفانه دامنگیر تمام واژگانهای مرحله دوم بوده است، اولاً موجب تکرار برخی از اشتباهات بارز و فاحش واژگانهای مرحله اول گردیده، و ثانیاً مانع از پدید آمدن روشهای جدیدتر و کارآمدتر واژگان‌نویسی در زبان فارسی شده است. در این قسمت از مقاله تنها به بعضی از این موارد اشاره می‌کنیم و خوانندگان را برای اطلاعات کامل به خود نقدها ارجاع می‌دهیم.

از مهمترین و ابتدایی‌ترین اصولی که در هر واژگان و اصولاً در هر فهرست لغاتی باید دقیقاً مراعات شود، شیوه تنظیم یکدست و روشن واژه‌هاست. اصولاً سه شیوه برای تنظیم واژه‌ها در واژگانها وجود دارد: شیوه حرف به حرف، شیوه کلمه به کلمه و شیوه‌ای که مرکب از دو شیوه فوق است. دکتر محمد طباطبایی در نقدی که بر واژگان فلسفه و علوم اجتماعی آشوری نگاشته<sup>۲۵</sup>، پس از شرح مبسوطی درباره این سه شیوه می‌نویسد «اگر هدف واژگان صرفاً دادن معادل فارسی اصطلاحات به مترجمان یا استادان و دانشجویانی است که در ضمن ترجمه یا مطالعه اثری به این اصطلاحات برخورد می‌کنند، مؤثرترین شیوه همان شیوه حرف به حرف است... اگر هدف واژگان ارائه تصویری از وضع موجود معادلهای فارسی در برابر اصطلاحات جدید علمی است تا در واژه‌گزینی یا واژه‌سازی مورد استفاده قرار گیرد، در این صورت بهتر است از شیوه کلمه به کلمه استفاده شود، چه بدین ترتیب تعداد بیشتری از واژه‌هایی که از نظر اشتقاقی و معنایی با هم ارتباط دارند، در یکجا آورده می‌شوند... [و] اگر هر دو هدف مورد نظر باشد می‌توان از هر دو شیوه استفاده کرد»<sup>۲۶</sup>

وی سپس مفصلاً چگونگی اجرای هر یک از این سه شیوه را شرح می‌دهد. اگرچه اجرای کامل و صحیح شیوه سوم (یعنی شیوه مرکب) مستلزم دقت و صرف وقت بسیار است، اما بهترین شیوه برای واژگانهاست. در این شیوه کلیه ترکیبیهایی که از یک اصطلاح بسیط ساخته شده‌اند در ذیل همان اصطلاح قرار می‌گیرند، به طوری که معادلهای گوناگون آن را در ترکیبها نیز می‌توان در یکجا با هم مقایسه کرد و بسامدهایشان را سنجید. از طرف دیگر به هنگام درهم آمیختن واژگانهای رشته‌های گوناگون (یعنی عملی

که پیش از تهیه واژه‌نامه نهایی باید انجام گردد)، می‌توان معادلهای گوناگون یک اصطلاح واحد در رشته‌های گوناگون را در ترکیبها و در کلمات بسیط یکجا بررسی کرد. تا کنون هیچیک از واژگانهای مرحله دوم از شیوه مرکب یا حتی از شیوه کلمه به کلمه استفاده نکرده است و همگی شیوه ساده‌تر حرف به حرف را برگزیده‌اند. متأسفانه اختلاط ناقص شیوه حرف به حرف در این واژگانها با دو شیوه دیگر خود موجب پدید آمدن وضع آشفته‌ای در تنظیم اصطلاحات آنها شده است.

مثلاً در واژه‌نامه زبانشناسی و علوم وابسته<sup>۲۷</sup> اصطلاحات کلا به شیوه حرف به حرف تنظیم شده است اما گاه مواردی از شیوه کلمه به کلمه نیز در آن دیده می‌شود. مثلاً اصطلاحات زیر در این واژگان فقط به شیوه حرف به حرف تنظیم شده‌اند:

data collecting

data collection

data orientatian

data oriented

اما بعضی از ترکیبات در این واژگان هم به صورت حرف به حرف آمده و هم به صورت کلمه به کلمه، مثلاً اصطلاحات زیر در یکجا اینگونه تنظیم شده است (کلمه به کلمه):

alternation change

تناوب متغیر

alternation irregular

تناوب نامنظم

alternation regular

تناوب منظم

alternation sporadic

تناوب پراکنده

و در جای دیگر اینگونه (حرف به حرف):

irregular alternation

تناوب نامنظم

regular alternation

تناوب منظم

چنانکه می‌بینیم چهار اصطلاح به شیوه کلمه به کلمه (که شیوه اصلی واژگان نیست) تنظیم شده و از آن چهار تا فقط دو تا به شیوه حرف به حرف (که شیوه اصلی واژگان است) درج شده است! نکته دیگر اینکه به هنگام تنظیم اصطلاحات مرکب به شیوه کلمه به کلمه، در صورت مقلوب ساختن ترکیب، باید با ویرگولی پایه ترکیب را از کلمه یا کلمات دیگر جدا کرد، اما چنانکه می‌بینیم واژگان‌نویس این عمل را هم انجام نداده است. علت چیست؟ علت این است که واژه‌نامه زبانشناسی (صفوی)، یکی از مآخذ عمده واژگان حاضر بوده، و مؤلف بدون هیچ اصلاحی کلیه اقلام آن واژگان را، اعم از غلط یا درست، در واژگان خود تکرار کرده است. وای کاش قضیه به همین جا ختم می‌شد! پس از انتشار واژه‌نامه زبانشناسی صفوی، دکتر مهشید مشیری نقد مفصلی بر این واژگان در مجله نشر دانش نوشت که اشکالات بسیاری (منجمله همین اشکال با همین مثالها) را در آن برشمرد<sup>۲۸</sup>. اگر

نویسنده واژه‌نامه زبانشناسی و علوم وابسته، نقد خانم مشیری بر واژه‌نامه زبانشناسی را خوانده بود، دست کم اشتباهات وی را تکرار نمی‌کرد. اشتباهات واژه‌نامه زبانشناسی بسیار بیشتر از آن چیزی است که در این مقاله نقل کردیم و متأسفانه غالب آن اشتباهات در واژه‌نامه زبانشناسی و علوم وابسته عیناً تکرار شده است. از دیگر مسائلی که در کلیه فرهنگهای لغت انگلیسی باید رعایت شود این است که صورت واژه‌های آنها باید بی‌نشان باشد، یعنی مثلاً مفرد و بدون حرف تعریف در مورد اسمها، مطلق در مورد صفات و بدون to در مورد مصدرها. دکتر طباطبایی در نقد خود پس از بیان این نکته و شرح مفصلی درباره چگونگی اجرای آن در واژگانها، موارد بسیاری از واژگان فلسفه و علوم اجتماعی داریوش آشوری برمی‌شمارد که اصل فوق را نقض کرده است.<sup>۲۹</sup> می‌دانیم که واژگان فلسفه و علوم اجتماعی مبنای واژگان دیگری با عنوان فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی بود، و این فرهنگ نیز خود بعدها مبنای واژگان جدیدتر فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی قرار گرفت. بسیار متأسفیم از اینکه بگوئیم واژگان نویسنده واژگان اخیر نیز بدون توجه به نقدی که بر واژگان سلف خودش (یعنی واژگان فلسفه و علوم اجتماعی آشوری) نگاشته شده، غالب اشتباهات و نارساییهای آن را تکرار کرده است. مثلاً اینکه در هر دو واژگان هم صورت جمع و هم صورت مفرد بعضی از اصطلاحات آمده است؛ مثلاً affix (مفرد) و affixes (جمع)، magus (مفرد) و magi (جمع)، nucleus (مفرد) و nuclei (جمع)، stratum (مفرد) و strata (جمع) و غیره. و البته تکرار اشتباهات واژگان آشوری در واژگان بریجانیان محدود به همین موارد نیست. دکتر طباطبایی در نقد خود بر واژگان آشوری، با دقت و جزئیات بسیار شرح داده است که با استفاده از علایم اختصاری و ارجاعات چگونه می‌توان فرمهای نشان‌دار و بی‌نشان مشکل‌ساز را در واژگانها تنظیم کرد. رعایت دقیق اصول علمی واژگان نگاری به علت شبکه ارجاعات پیچیده و علائم اختصاری و نمادهای گوناگون آن کاری مشکل و طاقت‌فرساست اما این دلیل نمی‌شود که واژگان نویسی که آستین همت بالا زده، این اصول را به کار نگیرد و از نقدهایی که بر واژگانهای پیشین نگاشته شده بی‌خبر باشد یا به هر دلیلی از خواندن آنها طفره برود و بی‌اعتنا به آنها واژگانها را تهیه کند.

در ضبط نام عناصر شیمیایی و نشانه‌های اختصاری آنها در واژگانها، نکات بسیار ریز و جالبی وجود دارد که رعایت آنها ارزش واژگان را از نظر کارایی و سهولت مراجعه صدچندان می‌کند. این نکات به طور کامل و مبسوط در نقدی با عنوان «بررسی و نقد واژه‌نامه شیمی» که در سال ۱۳۶۱ در نشر دانش منتشر شد درج شده است.<sup>۳۰</sup> متأسفانه بسیاری از نکته‌گیرهای

این نقد در مورد واژگان شیمی و مهندسی شیمی، که اخیراً منتشر شده است، نیز صدق می‌کند. به عنوان مثال عیناً چند جمله از آن تقدرا که هشت سال پیش از این بر واژه‌نامه شیمی نگاشته شده در اینجا نقل می‌کنیم. این جملات، بجز در مورد شماره صفحه‌ها، در مورد هر دو اثر کاملاً صادق است: «در این واژه‌نامه نام کامل يك عنصر شیمیایی و نشانه اختصاری آن به طور جداگانه داده شده است، بی‌آنکه بین آنها ارتباطی برقرار شود، مثلاً «کالیفرنیم Californium» [ص ۲۰] و «نشانه عنصر کالیفرنیم Cf» [ص ۲۱]، حال اینکه باید به یکی از دو صورت زیر تنظیم شود: کالیفرنیم Californium=Cf [ص ۲۰]، Cf the symbol for Californium، [ص ۲۱] یا کالیفرنیم Californium=Cf [ص ۲۰]، نشانه عنصر Californium Cf [ص ۲۱]». <sup>۳۱</sup> و البته نکات مشترك آن واژه‌نامه و این واژگان و نقدی که ذکرش به میان آمد، مطلقاً محدود به آنچه گفته شد نیست.

از این مثالها بسیار است که برای طولانی نشدن مقاله، از نقل آنها خودداری می‌شود و فقط به گفتن همین واقعیت تلخ اکتفا می‌کنیم که هیچکدام از واژگان نویسان مرحله دوم نتوانسته‌اند، یا نخواسته‌اند، از اصول علمی واژگان نگاری استفاده کنند. استفاده صحیح و روشمند از نشانه‌ها و علایم اختصاری گوناگون و شبکه ارجاعات منظم، و نیز انتخاب حروف مناسب برای چاپ واژگانها<sup>۳۲</sup> از جمله عوامل عمده‌ای است که مبنای مستحکمر و قابل اعتمادتری را برای تهیه واژه‌نامه نهایی فراهم می‌آورد و در عین حال استفاده از واژگان را از هر نظر راحت‌تر می‌سازد.

حاشیه:

۲۵) طباطبایی، محمد. «واژگانی با "ویراستار" ولی ناویراسته». نقد آگاه: در بررسی آرای و آثار (مجموعه مقالات). تهران، آگاه، ۱۳۶۳. ص ۲۹۱-۲۵۷؛ نیز همین ناقد نقدی با عنوان «غنای کوشش و فقر روش در فرهنگ‌نویسی» بر کتاب فرهنگ اصطلاحات نجومی... تألیف ابوالفضل مصفی، نوشته است که بسیار خواندنی و آموزنده است (رک. نقد آگاه، تهران، آگاه، ۱۳۶۲، ص ۲۱۸-۱۹۱). ۲۶) همان، ص ۲۶۴-۲۶۲.

۲۷) همایون، همدخت. همان

۲۸) مشیری، مهشید. «بررسی و نقد دو فرهنگ زبانشناسی»، نشر دانش، س ۳، ش ۲ (بهمن و اسفند ۱۳۶۱). ص ۶۶-۶۰.

۲۹) طباطبایی، محمد. همان.

۳۰) طباطبایی، محمد. «بررسی و نقد واژه‌نامه شیمی»، نشر دانش، س ۳، ش ۱ (آذر و دی ۱۳۶۱)، ص ۲۷-۲۲. بر واژه‌نامه شیمی (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱) نقد دیگری نیز نگاشته شده است با این مشخصات: فرهنگستان زبان (گروه واژه‌گزینی)، «بررسی واژه‌نامه شیمی»، نشر دانش، س ۲، ش ۵ (مرداد و شهریور ۱۳۶۱). خواندن نقد اخیر نیز بر همه دست‌اندرکاران واژه‌نامه و واژگان واجب است زیرا با خواندن آن متوجه می‌شوند که هر نقدی هم خواندنی و آموزنده نیست!

۳۱) طباطبایی، محمد. همان، ص ۲۴-۲۳.

۳۲) مثلاً اگر واژگان فیزیک با حروفی نازکتر که مناسب کتابهایی از این دست است چیده می‌شد، شمار صفحات آن دست کم از ۱۰۰۰ به ۵۰۰ می‌رسید.